

# شعر مدرن

| از بودلر تا استیونس | مراد فرهادپور |

**Modern Poetry**

| from Baudelaire to Stevens | **Morad Farhadpour** |



سرشناسه: فرهادپور، مراد، ۱۳۳۷ -  
عنوان و نام پدیدآور: شعر مدرن از بودلر تا استیونس: گزیده‌ای از مقاله‌ها و شعرها/  
ترجمه مراد فرهادپور.  
مشخصات نشر: تهران: بیدگل، ۱۳۹۵.  
مشخصات ظاهری: ۲۳۷ ص.  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۰۶-۰۲-۹  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
موضوع: شعر - ترجمه شده به فارسی - مجموعه‌ها  
موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴ - ترجمه شده از زبان‌های خارجی - مجموعه‌ها  
رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ف۴ ف۲ / PN۶۱۰۹  
رده بندی دیویی: ۸۰۸/۸۱  
شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۵۹۲۲۶

شعر مدرن

از یودلر تا استیونس

ترجمه مراد فرهاد پور

ویراستار: هدیه رهبری

مدیر هنری و طراح گرافیک: سیاوش تصاعدیان

صفحه آرایی: آلا شوپز

مدیر تولید: مصطفی شریفی

چاپ و صحافی: سپیدار

چاپ اول، ۱۳۹۵، تهران، ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۰۶-۰۲-۹

|| Bidgol Publishing co. || | نشر بیگل |

تلفن انتشارات: ۲۸۴۲۱۷۱۷، تلفکس: ۲۸۴۲۱۷۱۸

فروشگاه: تهران، خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و فخر رازی، پلاک ۱۲۷۴

تلفن فروشگاه: ۶۶۴۶۳۵۴۵، ۶۶۹۶۳۶۱۷

[www.nashrebidgol.ir](http://www.nashrebidgol.ir)

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

۷	مقاله‌ها
۹	ورطه شعرمدرن • اریش هلر
۴۵	تناقضات مدرنیسم: نقدی بر مقاله اریش هلر
۸۱	شعر ناب و سیاست ناب • میکائیل هامبورگر
۱۲۹	استفان مالارمه: درآمدی بر مجموعه شعرها • ژان پل سارتر
۱۴۱	پل سلان: درآمدی برگزیده‌ای از شعرها • میکائیل هامبورگر
۱۵۱	درباره‌ی والاس استیونس
۱۶۷	شعرها
۱۶۹	شارل بودلر
۱۷۱	استفان مالارمه
۱۷۳	آرتور رمبو
۱۷۵	پل والرئ
۱۷۹	هوگو هوفمانشتال
۱۸۱	راینر ماریا ریلکه
۱۸۷	گئورگ تراکل
۲۰۵	پل سلان
۲۱۳	ئیلی ساکس
۲۱۷	فرناندو پَسوا
۲۱۹	خوان رامون خیمه‌نس

۲۲۳

۲۲۵

۲۲۷

۲۳۱

خورخه لوئیس بورخس

آنتونیو ماچادو

ویستان هیواودن

والاس استیونس

30BOOKS.COM

## ورطه شعرمدرن<sup>۱</sup>

### اریش هلر

#### یک

یکشنبه عید پاک است و فاوستِ گوته پس از یکی از غنایی‌ترین گشت و گذارهایی که در ادبیات آلمان وصف شده به کتاب‌ها و مطالعه خویش بازمی‌گردد. همراه او سگ کوچک سیاه عجیبی است که در مزارع خارج از شهر با سماجت خود را به او چسبانده است. فاوست انجیل به روایت یوحنا را می‌گشاید و مصمم است که آن را به آلمانی، زبان عزیزش، ترجمه کند. اما در همان نخستین سطر متوقف می‌شود. چیست آن چیز که «در آغاز بوده»؟ لوگوس - کلمه؟ نه، ارتقای کلمه تا این حد، به نظر ناممکن می‌رسد. شاید «معنی» بهتر باشد، اما این نیز ضعیف‌تر از آن است که بتواند سرمنشأ هر آنچه هست باشد. فاوست واژه «نیرو» را امتحان می‌کند. اما حالا که مترجم تا این حد از متن اصلی دور شده است، پس چرا نباید در آزادی خویش پیش رود؟ «در آغاز عمل بود.» این جمله فاوست را راضی می‌کند و موجب هیجان سگ می‌شود. ولی کار ترجمه به جایی نمی‌رسد، زیرا اینک سگ ناآرام گشته است و حتی به مؤثرترین اوراد جادویی فاوست برای آرام کردن اهریمنان گوش نمی‌دهد؛ زیرا که سگ فرستاده دوزخ و خود از شیاطین است.

1. Erich Heller, "The Hazards of Modern Poetry" in *The Disinherited Mind*, Bowes: London, 1975, pp: 261-303.

یکشنبه عید پاک و یک جادوگر: از لوگوس به کلمه، از کلمه به عمل، از سگ به شیطان - صحنه برای قمارِ خطرناکِ شعرمدرن آماده است. ولی شاید بیش از این‌ها باید اصول تحقیق علمی را رعایت کنیم. پس اجازه دهید به کتاب تاریخ انجمن سلطنتی: تأسیس، برنامه و پیشرفت آن در اشاعه فلسفه تجربی، بپردازیم. این کتاب را در نیمه دوم قرن هفدهم توماس اسپرات<sup>۱</sup>، اسقف روچستر، نوشته است. شاعری به نام کالی<sup>۲</sup> دیباچه‌ای منظوم بر آن نوشت و مضامین جدلی کتاب را با شور و شوقی بیشتر از خود نویسنده بیان کرد و آن‌ها را به زیور شعرآراست، چرا که در مسائل خاکی و این جهانی، شاعر، در قیاس با اسقف، دستی بازتر دارد. در این شعر از فلسفه یا عقل ستایش می‌شود و شاعر برای اشاره به آن از ضمیر سوم شخص مفرد مذکر استفاده می‌کند، زیرا به قول او عقل «فضیلتی» مذکر است.

«اما دریغا که پاسداران و آموزگاران،  
 (برخی غافل و بی‌دقت و برخی جاه‌طلب)  
 هرگز به رهایی او رضایت نخواهند داد،  
 یا به قوای ذاتی اش که به او توان دیدن می‌دهد،  
 مبادا که این کار نقطه پایانی بر فضل و مرجعیت ایشان باشد.  
 تا که (عقل) کار خویش را فراموش کند،  
 او را با ترفندها و بازیگوشی‌های هوش و زیرکی سرگرم کردند،  
 و به جای گوشت لخم که بر توانایی اش می‌افزاید،  
 میوه‌ها و شیرینی‌های شعر را به او خوراندند...»

ولی خوشبختانه واردکننده اصلی گوشت لخم، در همان نزدیکی بود:

سرانجام، بیکن، مردی بزرگ، برخاست،  
 او که طبیعت و شاهی خردمند، به وزیری اش برگزیدند

1. T. Sprat  
 2. Cowely

و هر دو سروری قوانین خود را بدو سپردند.  
 و اویی با کانه رسالت دفاع از عقل، این شاگرد مجروح، را به عهده گرفت.  
 اما این دوست دارِ اولیه علم و دانش، رسالت شجاعانه و سخت وزیر  
 اعظم را در شعر خود چگونه توصیف می‌کند؟

از کلمات که چیزی جز تصاویر اندیشه نیستند  
 (هرچند که ما منحرفان اندیشه‌های خود را از آن‌ها می‌گیریم)  
 اندیشه را به اشیا، موضوعات راستین ذهن، بازگرداند:  
 ما چون پرندگان نادان به سوی خوشه‌های ملون پرواز کردیم؛  
 و او از برای استفاده ما حقیقت را جست و گرد آورد؛  
 و آن‌گاه که تل خوشه‌های برگزیده راستین فراهم آمد،  
 آن‌ها را با خرد و صنعت خویش فشرد  
 تا که عصاره همه‌شان در ظرف جمع شد،  
 تخمیر شده در شکلِ طعامی الهی،  
 شرابِ جان‌بخشِ روحِ تشنه.

این شاید نخستین شعر مضحک اما جالبی است که در سراسر تاریخ  
 نوشته شده است و با این حال معنا و اهمیت خاص خود را دارد. این  
 شعر نه فقط به پیشگویی و تقلید مسخره‌ای از «کلمه به عمل» فاوست  
 مانند است، بلکه علاوه بر این با جدیتی خام و کودکانه مضمونی را  
 بیان می‌کند که بنا بود برای سه قرن آینده، همچون نفرینی پابرجا، بر  
 زندگی و آثار شاعران و هنرمندان سایه افکند و در گوش ایشان، گاهی  
 تهدیدهای شوم سراب واقعیت و گاهی نیز دوباره، وسوسه‌های شکوه و  
 جلال متعالی و آن جهانی را زمزمه کند. آیا می‌توانیم مسیر پرواز پرندگان  
 نادان را به عقب، به سوی آشیانه دنبال کنیم، جایی که در آن بال و پر  
 گشودند و بر بال‌های کلمات، که فقط تصاویر اندیشه‌اند، اشیای واقعی  
 یا موضوعات راستین ذهن را پشت سر گذارند. شاید به عوض این دید  
 کلی از یک منظره پیچیده و وسیع زمانی، بهتر باشد که صحنه خاصی



در شهر ماربورگ را برای بررسی دقیق‌تر برگزینیم. در آنجا مناظره‌ای در زمینه‌ی الاهیات نظری در جریان است. طرفین بحث دو متأله و مصلح دینی برجسته‌ی قرن شانزدهم‌اند: مارتین لوتر و اولریچ زوینگلی<sup>۱</sup>. از دید مردمان عادی و غیرروحانی عصر جدید، بحث آن‌ها ممکن است نوعی موشکافی مدرسی قرون وسطایی به نظر رسد، اما تاریخ نشان می‌دهد که این بحث بیشتر به داستان سامسون و بریده‌شدن موهای سر وی شباهت دارد و بی‌شک عواقب آن ستون‌هایی را لرزاند که بنایی عظیم بر آن‌ها استوار بود.

مسئله‌ی مورد بحث و مشاجره به ماهیت آیین عشای ربانی و مناسک برخاسته از شام آخر عیسی مسیح مربوط می‌شود. نان و شراب. آیا این‌ها به راستی جسم و خون مسیح‌اند یا «سمبول‌هایی صرف» بیش نیستند؟ لوتر، علی‌رغم تمامی انحرافات و عدول‌هایش از اصول عقاید سنتی، هنوز به قرون وسطا تعلق دارد، برای او کلمه و نشانه صرفاً «تصاویر اندیشه» نیستند، بلکه خود شیء یا موضوع‌اند. اما از نظر زوینگلی که با تفکر روشنگرانه رنسانس ایتالیایی آشنا و در آن صاحب‌نظر بود، این عقیده چیزی جز بازمانده‌ی مهملات عصر بربریت نبود. آیین عشای ربانی «صرفاً» یک سمبول است، یعنی آنچه را خود فی‌نفسه نیست به‌طور سمبولیک معرفی می‌کند.

در اینجا ما به راستی با وضعیتی خاص روبه‌رویم. موضوع بحث سمبولی یکتا و مقدس است و مسئله به روشنی تعریف و مشخص شده است؛ اما این حتی مسئله‌ای جدید و نوظهور هم نیست. نمونه‌های قبلی آن در سراسر تاریخ تحول الاهیات مسیحی به چشم می‌خورد. همه این‌ها باید ما را از تعمیم‌های ساده و خام برحذر دارد؛ مع‌هذا، این حقیقت باقی است که این پرسش قبلاً هرگز چنین شور، حرارت و غوغایی برپا نکرده بود؛ زیرا اینک در بحث لوتر و زوینگلی این پرسش صرفاً به منزله نقطه‌ی اوج تثولوژیک انقلابی بس عمیق‌تر جلوه‌گر می‌شود، انقلابی در

1. U. Zwingli



شاعران سببولیست بحران‌های جامعه مدرن را به منزله تناقضات درونی شعر تجربه می‌کردند. این امر، حقیقتی بس مهم را آشکار می‌سازد: در عصر جدید، مدرنیسم تنها شکل حقیقی رئالیسم است. درک این نکته بر اساس مقولات تجربیدی و دوگانگی‌هایی چون «هنر متعهد» در برابر «هنر ناب» ممکن نیست، بلکه برعکس، باید آن‌ها را به منزله قطب‌های متضاد کلیتی واحد در نظر گرفت که همزمان خود و دیگری را نفی می‌کنند. نزاع میان «هنر متعهد» و «هنر ناب» که تا به امروز نیز ادامه یافته است، خود به اندازه کافی گویاست:

از دید هواداران تعهد، «اثر هنری ناب» چیزی نیست مگر نوعی سرگرمی بی‌حاصل برای کسانی که می‌خواهند به بهانه غیرسیاسی بودن — که خود انتخابی عمیقاً سیاسی است — سبیل بنیان‌کنی را که موجودیت همگان را تهدید می‌کند، نادیده بگیرند. «برای طرفداران تعهد، این گونه آثار هنری ناب معترف غفلت از نبرد منافع واقعی است، نبردی که دیگر هیچ‌کس نمی‌تواند خود را از آن و از تخصص دو اردوگاه اصلی معاف پندارد.» ادامه هرگونه حیات فکری، خود منوط به [نتیجه] این تخصص است، آن هم تا حدی که فقط توهم ناب می‌تواند بر حفظ حقوق و امتیازاتی اصرار بورزد که همگی ممکن است فردا بر باد روند.»